

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد طاهر - امریکا

۲۲ جون ۲۰۲۲

جنبش زنان و طالبان

بخش ۱۲

افغانستان و حجاب اجباری

افغانستان یگانه کشوری است که سال ها دچار فراز و نشیب های مدهش گردید و به جای این که به پیشرفت و ارتقا سوق یابد به عقب برگشت نموده است. عنعنه و تجدد دو رقیبی اند که برای به نبرد فراخواندن جامعه افغانی دست و آستین بالا زده اند تا یکی بر دیگری غلبه حاصل کنند. اما دست عنعنه همیشه در میدان جدال بالا شده است. چون عنعنه با داشتن ریشه های عمیق تاریخی و فرهنگی قبیله ئی بوده و در پیوند با ارزشهای دینی، امتیازات و برد بیشتری را نصیب گردیده است.

تحول هر قدر در جامعه ، طبیعی انجام یابد همان قدر مقاومت و مبارزه بطی صورت می گیرد. از همین سبب نقش زنان و حقوق شان در افغانستان به طور بطی و تدریجی در حال تحول و تکامل است. چون زنان رابطه ناگسستگی با اقوام و عنعنات مختلف جامعه دارند. گرچه تلاش هائی در حمایت از حقوق و نقش زنان و آوردن اصلاحات در قوانین دولت ها به خاطر بهبود وضعیت زندگی زنان در افغانستان صورت گرفته است ، ولی با واکنش فرهنگ مسلط مرد سالارانه عنعنه پسند و با پشتوانه مذهبی مقابل شده است، چون اصلاحات، مانع سالار منشی مردان بر زنان می گردد. متفکران امور جامعه شناسی را عقیده براین است که طبیعت یا خدا در آغاز زندگی ، مرد را از لحاظ جسمانی و زن را از جهت عاطفی ، طوری خلق کرده است که مرد ها با داشتن زور بازو، استخوان قوی و هیكل درشت، خون گرم و هیجانی به کار های طاقت فرسا بپردازند و زنها با خصوصیت ظریف، نفیس، با تحمل و صاحب گذشت بودن به وظایف کمتر شاق و سهل تر مصروف شوند. چنان که در جوامع اولیه مرد مکلف به تهیه خوراک و مبارزه با موانع و هنجار های طبیعی مصروف بود و زن علاوه بر حصول خوراک و پوشاک وظیفه بارداری ، مصروف پخت و پز و اطفال می بود. چون زن مدت نه (۹) ماه مواظب خود و طفلش می شد از همکاری با مرد خانواده عقب می افتاد و کمک کمتری از دستش بر می آمد. این زمان است که مرد با انجام کار بیشتر و ثقیل تر به تنهایی مسؤلیت تهیه وسایل ضروری خانواده را به دست گرفت و احساس تفاوت ، نفوق و برتری جنسیتی نسبت به زن در ذهنش ایجاد شد، که اولین سنگ بنای مرد سالاری گذاشته شد و با گذشت زمان و به شکل تدریجی در جوامع این شیوه برتری جوئی مرد بر زن شکل و نظم به خود گرفت.

جامعه مرد سالار یعنی حکم روائی مردان در اجتماع از مردم در یک محدوده جغرافیائی است که مرد حقی را که مورد قبول همگانی جامعه ولو از نظر جسمانی نسبت به زنان ضعیف باشد نصیب شده است. و این حق در یک نظم اجتماعی تمثیل و اداره گردیده است. تاریخ جوامع نشان داده است که مردان قویتر و زور آور تر در اجتماع کوچک و یا بزرگ در رأس همه ای مردم قرار گرفته و به سلاطین قدرتمند تبدیل شدند. یعنی زور خود منشأ قدرت مرد در اجتماع گردید و مرد را در جامعه، سالار ساخت. این شیوه در طول تاریخ به نام نظام مردسالاری درج جامعه شناسی گردید.

در جوامع عنعنه ئی و به ویژه افغانستان رویداد های تاریخی نشان داده است که غلبه مرد در امور مهم زندگی خانواده، قوم و قبیله سبب شده است که نقش زن هیچ گرفته شود. به خصوص تعبیر و تفسیر از آیت و حدیث و دیگر مسایل دینی و مذهبی در مورد زنان که آنهم به وسیله مردان، انجام یافته است، برتری مردان بر زنان را مشروعیت دینی و مذهبی دادند و زنان را از همه فعالیت ها در عرصه های اجتماعی به حاشیه راندند.

آنچه که در افغانستان مردان سلطه جو، با پشتیبانی روحانیون (که همه شان را مرد تشکیل می دهد) مرد سالاری را ریشه دار و مقاوم ساخته و بر آن مهر افتخاری زده است، این که مرد، زن را مانند زمین و زر، مالکیت شخصی خود تلقی می کند. زن را مانند زمین (سرزمین) ناموس و ننگ می پندارد. از آن جایی که در جامعه مرد سالار افغانستان که فرهنگ مختلط از دین، قبیله و قوم مروج است، زن را در بدل مهریه به حیث متاع تجارتي به نام «طویانه»، «شیر بها»، «ولور» و ... مورد معامله قرار داده و به عقد نکاح مرد می آورند.

مالکیت مرد بر زن سبب شده است که مرد لازم نمی بیند که زنش را حتی مرد از نزدیکان فامیل خودش ببیند چه رسد که مردان خارج از فامیل، او زن خود را مجبور به پوشیدن حجاب یا روی بند، در اجتماع خانواده نیز می سازد. طوری که دیده شده است در بسیاری از مناطق افغانستان خانه یا اتاقی به نام سراچه (بیتک) وجود دارد که برای اجتماع مردان (حتی مردان نزدیک خانواده مانند پدر، برادر، کاکا، ماما و ...) ساخته اند تا مردان چهره زنان را نبینند. قیودات مرد سالاری در مورد حقوق، وجایب و نقش زنان، در افغانستان نظر به عنعنات مروج بین اقوام در هر منطقه، تفاوتی چندانی نداشته و شیوه مرد سالاری در سراسر افغانستان چه در شهر و یا روستا، یکسان می باشد. گرچه زنان شهر نشین نسبت به زنان روستائی در سالهای اخیر نظر به تجدد گرایی و زندگی مدرن شهری به طور نسبی از حق تحصیل، کار، اشتراک در مسایل سیاسی و اقتصادی، مُد و آرایش، صلاحیت های امور فامیلی، و انتخاب همسر برخوردار گردیده بودند، ولی با شروع کودتای ۷ ثور و تسلط بنیاد گرایان مذهبی با رژیم های اسلامی و استقرار امارت اسلامی اول، و «جمهوریت اسلامی» و انتقال سازشکارانه حاکمیت سیاسی به طالبان برای بار دوم، و تطبیق سیاست دین سالاری با صدور فرامین متحجرانه شریعت اسلامی در این دوره، زندگی اجتماعی و مدنی زنان به مراتب بدتر شده رفت و حلقه تنگ اسارت مردسالاری بر گردن ضعیف زنان بیشتر شد. حقوق و آزادی بالنسبه شان سلب و تمام امور زندگی اجتماعی- مدنی از ایشان گرفته شد.

در بیش از ۹ ماه حاکمیت دور دوم امارت اسلامی طالبان با صدور فرمان های شان، محدودیت هائی را بر زنان مرحله به مرحله در افغانستان وضع کرده اند. که تازه ترین آن از مجریان زن تلویزیون ها خواسته شده است که در هنگام ظاهر شدن در صفحه تلویزیون چهره خود را بپوشانند. در ماه می ۲۰۲۲، پوشیدن صورت زنان در فضای عمومی را اجباری و رانندگی را بر زنان محدود کردند. در مارچ ۲۰۲۲ دختران دانش آموز را از رفتن به دبیرستان ها محروم و جدا سازی جنسیتی را در دانشگاهها و حضور دانشجویان دختر را در برخی از کلاس ها با تفکیک جنسیتی قانونی ساختند. در جنوری ۲۰۲۲ روند اجباری شدن حجاب رسماً آغاز شد. در سپتمبر ۲۰۲۱ به زنان کارمند

در کابل گفته شد که در خانه بمانند و محدودیت شدید کاری برای خبرنگاران زن را در کابل اجرائی ، و وزارت امور زنان را منحل ساخته و ورزش زنان را « غیر ضروری» خواندند. کابینه ای را بدون حضور حتی یک زن اعلان کردند و حق اعتراض از زنان را با برخورد خشن ، زندانی ساختن زنان معترض از ایشان گرفتند تا به خاطر برآورده شدن حقوق زنان دست به اعتراض خیابانی نزنند.

ادامه دارد

از منابعی که در این نوشته استفاده شده است:

زنان افغانستان زیر فشار عنعنه و تجدد ، داکتر عبدالله کاظم استاد پوهنتون کابل

« اخبار » روزنامه ای ۸ صبح، بی بی سی فارسی و دویچه المان

شبکه های اجتماعی (فیس بوک)

۲۰ جون ۲۰۲۲